



مقدمه

این که، چه عواملی در پیروزی انقلاب اسلامی و واژگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله ی شاهنشاهی، نقش اصلی و اساسی داشته اند از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

از سال ۱۳۴۱ که نهضت مقدس امام خمینی قدس سره آغاز شد، تا سال ۱۳۵۷ که این نهضت به ثمر رسید با ظهور انقلابی بی نظیر که ثمره ی آن تحقق نظام جمهوری اسلامی بود، همواره تنی چند از عالمان مجاهد، با یاری مردم فقیر و زجر کشیده، خود را به آتش و خون زدند و با تحمل سختی های بسیار مبارزه را تا پیروزی نهایی ادامه دادند.

در طی این سال ها، ضمن نبرد نابرابر ایمان و کفر، منادیان حق و حقیقت دینی، با الگو قرار دادن مبارزات صدر اسلام، و با جدیت وصف ناپذیر، نهضت مقدس امام خمینی «قدس سره» را استمرار بخشیدند و روحیه ی سلطنت ستیزی را تقویت کردند و در هر مناسبتی با نام رهبر تبعیدی خود حرکت انقلابی جمعیت های تظاهر کننده را پرشتاب و با توان ساختند.

قیام ۱۵ خرداد نقطه ی عطفی در تاریخ مبارزات ملت قهرمان ایران است، که رهبری داهیانه ی امام خمینی «قدس سره» و یاری روحانیان انقلابی در تداوم آن، طی یک دوره ی پانزده ساله، نقش اساسی داشته است. و در همه ی آن سال ها روز ۱۵ خرداد هیچ گاه در سکوت و خاموشی سپری نشد؛ زیرا که ۱۵ خرداد برای امت قهرمان و شهید پرور ایران، از اهمیت و اعتبار ویژه ای برخوردار بوده و خواهد بود.

۱۵ خرداد، روز قیام خونین مردم جان برکفی بود که، به نام اسلام و برای اسلام به میدان آمدند و علیه نظام ستمشاهی شوریدند. ۱۵ خرداد روز آغاز نهضت مقدس اسلامی، روز عصیان علیه طاغوت و طاغوتیان و روزی بود که ملت ایران زیر بیرق اسلام گرد آمد و برای مقابله با دشمنان اسلام و قرآن وارد صحنه شد و پشت رژیم ستمشاهی را به لرزه انداخت.

در سحرگاه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، دژخیمان رژیم ستمشاهی به خانه ی امام در قم یورش بردند و امام خمینی «قدس سره» را که سه روز پیش از آن، به مناسبت عاشورای حسینی در مدرسه ی فیضیه، طی

سخنان کوبنده ای پرده از جنایات شاه و اربابان امریکایی و اسرائیلی او برداشته بود، دستگیر و دور از چشم مردم به زندانی در تهران منتقل کردند.



هنوز چند ساعتی نگذشته بود که خیابانهای شهر قم زیر پای مردان و زنان مسلمان و انقلابی که به قصد اعتراض از خانه هایشان بیرون آمده و به حمایت از رهبرشان فریاد برآورده بودند، به لرزه در آمد. همین صحنه، در همان روز در تهران و چند شهر دیگر نیز به وجود آمد و مردم ایران با قیام گسترده ی خود نشان دادند که خواستار برقراری حکومت اسلامی و پایان دادن به رژیم ستمشاهی هستند. به همین جرم بود که گلوله های شلیک شده از خشم و کینه ی حکومت شاه، قلب صدها مسلمان انقلابی به پا خاسته را در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نشانه رفت و آنان را به خاک و خون کشید. بدین ترتیب، تاریخ ایران اسلامی و تاریخ مبارزات امت اسلامی، در روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ورق خورد و فصل جدیدی در کارنامه ی رویارویی مستضعفان با مستکبران گشوده شد.

رفراندوم ساختگی

روز ۶ بهمن ۱۳۴۱ برای شش اصل پیشنهادی شاه رأی گیری شد. در مدت اخذ رأی دو صندوق وجود داشت. یکی برای آرای موافق و دیگری برای مخالف. در تهران در همان دقایق اول این خبر چون بمبی صدا کرد که چند نفری که رأی مخالف در صندوق ها ریخته اند، مورد ضرب و شتم مأموران قرار گرفته و به زندان انتقال یافته اند. مخالفان به جای دادن رأی مخالف، از شرکت در رفراندوم خودداری کردند. در هر حال دولت اعلام کرد ۰،۰۰، ۵۹۸، ۵ نفر در رفراندوم شرکت و رأی مثبت دادند. آرای مخالف فقط ۴۰۱۵ رأی اعلام شد.



شاه در روز ۸ بهمن به دنبال اعلام نتیجه رفراندوم، طی نطقی گفت:

«در آینده، کشور ایران را کشور آزاد مردان و آزاد زنان می‌سازیم. زن و مرد ایرانی با استفاده از شرایط جدید اجتماعی، دوشادوش یکدیگر برای ساختن ایران آباد خواهند کوشید. آنچه روی داد انقلابی بزرگ، قانونی و مقدس است که شما بر آن صحنه نهادید و ما به همت شما مملکتی خواهیم ساخت که با پیشرفته‌ترین ممالک برابری کند.»

یکی از اصولی که به رأی عمومی گذاشته شد، تجدید نظر در قانون انتخابات بود. هیأت وزیران بر اساس مصوبه‌ی تجدیدنظر در انتخابات، تصویب نامه‌ی صادر کرد و دولت به استناد این تصمیم خلاف قانون اساسی، برای زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را به رسمیت شناخت. با توجه به این که این موضوع نه معنای آزادی زن در حق رأی دادن بود، بلکه ترویج بی‌بندوباری و حضور زنان در کانون‌های فحشا و منکرات بود و این مطلب را امام و علما به خوبی دریافتند، لذا برای حفظ کیان و کرامت انسانی زنان بزرگوار، جامعه‌ی روحانیت قم به زعامت آیت‌الله العظمی امام خمینی «قدس سره» این تصمیم دولت را بدون عکس‌العمل گذاشت و واکنشی شدید نشان داد.

آیات عظام پس از نشست و گفتگو، مبادرت به صدور اعلامیه‌ی ۶ صفحه‌ای مستند و مستدل نمودند و زیر آن را امضا کردند. امضا کنندگان عبارت بودند از: آیات عظام امام خمینی «قدس سره»، لنگرودی، زنجانی، علامه طباطبایی، موسوی یزدی، گلپایگانی، شریعتمدای، آملی، و مرتضی حائری.

در اعلامیه‌ی یاد شده با توجه به قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور، اقدام دولت را در صدور تصویب نامه‌ی هیأت وزیران مبنی بر اصلاح قانون انتخابات، غیر قانونی اعلام و به دولت به شدت اعتراض شد.



حمله به مدرسه‌ی فیضیه قم

امام خمینی «قدس سره» در مبارزات خود علیه استبداد، عملاً رهبری قیام را در دست گرفت و سایر علما به دنبال او قدم برداشتند. از جمله‌ی اقدامات ایشان اعلامیه‌ی خطاب به علما و روحانیان بود. متن

اعلامیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام دامت برکاتهم اعظم الله تعالی اجورکم. چنان چه اطلاع دارید، دستگاه حاکمه می خواهد، با تمام کوشش به هدم احکام ضروریه ی اسلام، قیام و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می اندازد و لذا این جانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر(عج) جلوس می کنم و به مردم اعلام خطر می نمایم. مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند، تا ملت مسلمان از مصیبت های وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند.

والسلام علیکم و رحمه الله برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

۲۶ شوال ۱۳۸۲

پس از صدور اعلامیه، علمای تهران و سایر شهرستان ها به تبعیت از، امام طیّ اعلامیه هایی عید را عزای ملی اعلام، و متذکر شدند، به جای دید و بازدید مجالس سوگواری تشکیل شود. از جمله آیت الله سید محمد بهبهانی در این زمینه، اعلامیه ای انتشار داد.

یورش به مدرسه ی فیضیه قم که، در بعداز ظهر روز دوم فروردین ۱۳۴۲ صورت گرفت از فجایع حکومت شاه می باشد. اعلامیه امام خمینی «قدس سره» درباره ی حمله به مدرسه فیضیه و تشریح جنایات آن موجب شد که علمای شهرستان ها و اهل منبر به حرکت سریعتری دست بزنند و گذشته از انتشار اعلامیه های متعدد و همدردی با علمای قم، چند روزی از رفتن به مساجد و منابر و اقامه ی نماز جماعت خودداری کردند.



اعلامیه ی کوبنده و تکان دهنده ی امام خمینی که، به مناسبت چهلمین روز فاجعه قم صادر شد، بار دیگر افکار عمومی را متوجه اقدامات شاه و دولت کرد.

محرم ۱۳۸۳ هجری قمری و مقدمات قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

ماه محرم هر سال، یادآور قیام امام حسین بن علی «علیه السلام» است. امام حسین «علیه السلام» همواره مشعل فروزانی برای نهضت های اسلامی است و جامعه ی تشیع در طی قرن ها، به یاد امام حسین «علیه السلام» می گرید و خون او را حیات بخش نهال آزادی و حق و عدالت می داند. مسلمان

شیعه در هر کجای دنیا باشد، دهم محرم را به عنوان عاشورای امام حسین «علیه السلام» می شناسد و پیوندی معنوی و نامرئی با امام حسین «علیه السلام» او را به تفکر در قیام خون و شهادت می برد و بر حسب استعداد، نکاتی از پیام امام حسین «علیه السلام» را از فراز نسل ها می گیرد. چه بسیار انسان های والا که با لحظاتی در یاد امام حسین «علیه السلام» همه عوامل ذلت و خواری را کنار گذاشته اند و در راه حق و پیوستن به مکتب او جان باخته اند. با حضور این نقطه ی درخشان، فرارسیدن محرم ۱۳۸۳ قمری و پا بر جا بودن حوزه ی قم با وجود تلاشی که دولت در تعطیل آن نمود، معنی بسیار داشت. معنی حضور امام حسین علیه السلام در مبارزه ای بزرگ. به همین جهت رژیم حاکم می بایست تدابیر لازم را کرده باشد تا، به هر ترتیب از محرم بگذرد. اعلامیه ی شهربانی کل کشور، عباراتی داشت که نگرانی دولت را می رساند و از مردم مسلمان سوگواری مشروع می خواست، یعنی سوگواری که توأم با دعای به تاج و تخت شاه باشد و زیانی به منافع امپریالیسم امریکا و انگلیس نرساند. اما رهبر بیدار نهضت، تمام قوا را مجهز کرد، تا محرم صورت واقعی خود را باز یابد و به همین لحاظ در پیامی که امام خمینی «قدس سره» به وعاظ و گویندگان دینی و هیأت های مذهبی داد، فرمود:

«... دستگاه جبار ... درصدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغین و سران هیأت عزادار است که از مظالم دم زنند و دستگاه جبار را به خودسری واگذارند.

لازم است تذکر دهم که، این التزامات علاوه بر آن که ارزش قانونی نداشته و مخالفت با آن هیچ اثری ندارد، التزام گیرندگان، مجرم و قابل تعقیب هستند...



... عجب است دستگاه، بی پروا ادعا دارد که قاطبه ی ملت با اوست و از پشتیبانی اکثریت قاطع برخوردار است، با این وصف در تمام شهرستانها، قرا و قصبات به دست و پا افتاده و با ارباب و تهدید ملت، خفقان ایجاد می کند. اگر این ادعا صحیح است، ملت را این چند روز به حال خود واگذارند تا، از پشتیبانی مردم متمتع شده، موافقت ۶ میلیونی به همه ملل جهان ظاهر، و الا اشاعه اکاذیب برای تشویق افکار عامه بر خلاف مصالح اسلام و مملکت، جرم و قابل تعقیب است... حضرات مبلغین ... از توهم چند روز حبس و زجر نترسند، (وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ). آقایان بدانند، که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بنی امیه نیست... خطر اسراییل و عمال آن را به مردم تذکر دهید... سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است... از سخط خدای تعالی بهراسید. اگر به واسطه ی سکوت شماها به اسلام لطمه ای وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسؤول هستید... از اخافه و ارباب سازمان ها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید...»

ملاحظه می شود، امام تکلیف خود را به چه ترتیب انجام می داد. و با دقت اوضاع را بررسی می کرد و نتایج به دست آمده را در اختیار مبارزان می گذاشت. همان طور که در آن دهه ی محرم، وعاظ تنها لعن و نفرت و اظهار انزجار نسبت به یزیدِ دودمان اموی نداشتند، بلکه با نوحه سرایی و خواندن اشعار انقلابی برای کشتگان مدرسه فیضیه، به یاری امام حسین «علیه السلام» می شتابند، خطر اسراییل را برای امت مسلمان یادآور می شوند و تأکید روی خطری می کنند که، از جانب رژیم های وابسته، بر اسلام وارد می شود و کمتر از خطر بنی امیه نیست.

تظاهرات دهم محرم ۱۳۸۳

مقدمات، حاکی از تظاهرات گسترده روز عاشورا بود. خطبا و وعاظ طی دهه ی محرم گفتنی ها را بیان کردند و روزنامه های دولتی هم به همراه رادیو سعی کردند، آرامش حفظ شود و کمتر مردم به آگاهی هایی دست یابند. از نظر این رسانه های گروهی، در کشور، خبری نبود. تمام تبلیغات در اطراف نتایج رفراندوم و انقلاب سفید شاه دور می زد و ثمرات آینده ی آن، یکی، بعد از دیگری شمرده می شد و به دهقان و کارگر و دیگر طبقات نوید و بشارت زندگی مرفهی را می داد و از دین و مذهب و روحانیت به عنوان ارتجاع و خطر ارتجاع و موانعی که انقلاب سفید را تهدید می کند یاد می شد.

روز عاشورا ده ها هزار نفر از مردم که در جریان دقیق مبارزه بودند، با در دست داشتن عکس های امام با شعار **خمینی خدانگهدار تو، ملت طرفدار تو، به خیابان های تهران ریختند.** محل اجتماع، مسجد و مدرسه حاج ابوالفتح در نظر گرفته شده بود؛ اما این مدرسه از صبح زود در محاصره ی پلیس قرار گرفت ولی در اثر ازدحام جمعیت برای مراسم عزاداری و فریاد شعارهای ضد رژیم، کنترل از دست پلیس خارج، و مسجد و اطراف آن در اختیار مردم قرار گرفت و با شعار به راهپیمایی پرداختند. تظاهر کنندگان، پس از عبور از سه راه امین حضور و سرچشمه، به میدان بهارستان رسیدند و پس از نصب عکس امام، در این میدان به خیابان فردوسی رفتند و با نطق و خطابه، انقلاب سفید شاه را محکوم ساختند و، سپس به سوی دانشگاه تهران حرکت و فریاد «**خمینی بت شکن خدانگهدار تو**» اوج گرفت.



در بازگشت، وقتی جمعیت به مقابل کاخ مرمر رسید، فریاد «**مرگ بر این دیکتاتور**» طنین انداز شد.» در واقع هدف از تظاهرات در همین جمله خلاصه شده بود و سقوط شاه را طلب می کرد. راهپیمایی و تظاهرات آن روز در ساعت ۳ بعدازظهر پس از بازگشت به بازار پایان گرفت و تظاهرات فردای آن روز

از مسجد شاه اعلام شد. شب یازدهم، هم تظاهراتی از جانب دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از رهبری نهضت با شعار خمینی پیروز است، صورت گرفت. این تظاهرات از مسجد هدایت خیابان استانبول تا میدان شاه ادامه یافت و جمعیت تظاهر کننده به عزاداران مدرسه حاج ابوالفتح پیوست.



۱۵ خرداد، حماسه بزرگ

تقارن چاپ حضور شماره ۵۶ و برخی از زمزمه‌های ناخوشایند مبنی بر حذف تعطیلی این روز از تقویم تعطیلات سالانه ما را بر آن داشت که در معرفی بهتر این روز و اهمیت تاریخی آن، لختی قلم را به گردش درآوریم. باشد که در پاسداشت یوم‌الله ۱۵ خرداد در راستای ماندگاری و نکوداشت آن به عنوان «خمیرمایه نهضت مبارک ملت بزرگ ایران» خدمتی هر چند کوچک انجام داده باشیم.

به‌گفته حضرت امام، ۱۵ خرداد از یوم‌الله است.

شاید برخی از عزیزان در خم چنبر زندگی گرفتار آمده‌اند که ناخواسته تیشه به ریشه نهضت می‌زنند. شاید تصورشان این است که با حذف دو سه مناسبت مذهبی یا تاریخی و ملی از تقویم تعطیلی سالانه کشور، همه مشکلات کشور حل می‌شود و گرفتار شدن ما در خمگردهای پیچاپیچ مدیریت کشور بی‌سببی نیست از آنجمله تعطیلی این مناسبتها.

در نیت خیر و صداقت عزیزان تردید نداریم به همین دلیل تصورمان این است که این عزیزان به عمق سخنان و مواضع روشن و تأکید مکرر امام در معرفی و بزرگداشت این مناسبتها پی نبرده‌اند؟ اینک با برشماری عناوین اصلی از سخنان آن ابرمرد و خالق ۱۵ خرداد و معمار و بنیانگذار انقلاب اسلامی امیدواریم دوستان مصداق یکی بر سر شاخه و بن می‌برید قرار نگیرند.

۱۵ خرداد استمرار حرکت عاشورا

حضرت امام معتقد بودند که جایگاه و اهمیت ۱۵ خرداد در نهضت اسلامی ایران مثل جایگاه و اهمیت عاشورا در نهضت حضرت امام حسین(ع) است. همانگونه که عاشورا سرفصل

اسلامی جدید و مبدأ اسلام و مسلمانی نوینی است، نهضت ۱۵ خرداد هم در تاریخ نهضت اسلامی ایران روز حماسه است و تولد اسلام و مسلمانی جدید.

اینک سخن امام راحل(س):

روز ۱۵ خرداد در عین حال که چون عاشورا روز عزای عمومی ملت مظلوم است، روز حماسه و تولد جدید اسلام و مسلمانان است.^۱

در جایی دیگر امام می‌فرماید:

ملت عظیم ایران... رمز پیروزی اسلام بر کفر جهانی را در این قرن که پانزدهم خرداد ۴۲ سرآغاز آن بود، در دوازدهم محرم حسینی جستجو کند، که انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است.^۲

۲۲ بهمن ۵۷ استمرار ۱۵ خرداد ۴۲

حضرت امام در بررسی تطور و سیر تکاملی نهضت بر سرفصلهایی خاص تأکید می‌ورزید. از آن جمله‌اند: ۱۷ شهریور - ۲۲ بهمن و ۱۵ خرداد.

در حقیقت دستاورد نهضت ۱۵ خرداد ۴۲، پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ بود.^۳

ملت شریف ما، بلکه ملت‌های مظلوم، از هر چه غفلت کنند، از این دو روز الهی [۱۵ خرداد ۴۲ و ۲۲ بهمن ۵۷] نباید غفلت کنند.^۴

۱۵ خرداد نقطه عطفی در تاریخ نهضت اسلامی ایران

حضرت امام بارها و با عبارتهای مختلف اما مشابه بر این مهم تأکید دارند که ۱۵ خرداد مبدأ تاریخ و نقطه عطفی تاریخی محسوب می‌گردد.

^۱ - (صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۴۰۴)

^۲ - (صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص ۴۸۲)

^۳ - (صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۴۰۳)

^۴ - (صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص ۴۰۴-۴۰۵)

همه می‌دانیم که ۱۵ خرداد مبدأ عطفی بود در تاریخ.^۱

پانزده خرداد - که ما مردان با اراده‌ای را از دست دادیم و جوانانی از دست ملت ما رفت - نقطه عطفی است در تاریخ، و مبدأ این نهضت است.^۲

۱۵ خرداد ضامن استقلال کشور

امام از یک سو به مصائب و گرفتاریهایی که ۱۵ خرداد برای ملت اسلام در پی داشت تأکید می‌ورزد. به لحاظی که در این روز گروهی از هموطنان مؤمن و انقلابی به شهادت رسیدند، بسیاری مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. بسیاری را دستگیر و روانه زندان کردند. بعدها بسیاری به صرف شرکت در راهپیمایی و تظاهرات این روز، از حقوق اجتماعی و شهروندی محروم شدند. برخی تا سالها تحت تعقیب بودند. گروهی سالهای سال در معرکه دادگاه و بازجویی و پرونده‌سازی قرار گرفتند، بسیاری از خانواده‌ها سرپرستان نان‌آور خود را از دست دادند، بسیاری از همسران، شوی را از دست دادند و بسیاری از خانواده‌های شهدا تا پایان عمر در سوگ از دست دادن پدر یا برادر یا اقوام خود نشستند. انواع مصائب دیگر که بر شرکت‌کنندگان در نهضت ۱۵ خرداد وارد آمد. از دیگر سو امام می‌دانست که قبول این مصائب در واقع توازن حرکت و اعتراضی است که به حکومت طاغوت شده است. هزینه آن روز بزرگ و سرنوشت‌سازی بود که با سخنرانی تاریخی حضرت امام در اعتراض به سلب آزادی، قانون‌شکنی، وطن‌فروشی، وابستگی به بیگانگان انجام گرفت و خود این سخنرانی در تاریخ انقلاب اسلامی، نقطه عطف محسوب می‌گردد. در این راستا امام می‌فرماید:

۱۵ خرداد در عین حالی که مصیبت بود، لکن مبارک بود برای ملت که منتهی شد به یک امر بزرگی و آن استقلال کشور و آزادی برای همه مملکت.^۳

باید در پناه قضیه بزرگ عاشورا، مصیبت جانسوز دوازده محرم و ۱۵ خرداد زنده و جاوید بماند. این سند بزرگ را در قبال ادعاهای پوچ دستگاه جبار که «ملت با ماست» نباید فراموش کرد.^۴

۱۵ خرداد روز همیشه عزا

^۱ - (صحیفه امام؛ ج ۶، ص ۳۶۰)

^۲ - (صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۴۰۵)

^۳ - (صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۳۹۷)

^۴ - (صحیفه امام؛ ج ۲، ص ۲۸۷)

امام خمینی برخلاف برخی از افراد معتقد بود که هر چه از آغاز و مبدأ نهضت دور می‌شویم و فاصله می‌گیریم، لازم است این مناسبتها را پُرنگتر و جدی‌تر و باشکوه‌تر برگزار کنیم نه اینکه به مرور زمان آنها را به فراموشی بسپاریم. امام نه برای یک سال یا ده سال، بلکه برای همیشه این روز را روز عزا اعلام کرده است آنجا که می‌فرماید:

من روز ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می‌کنم.^۱

۱۵ خرداد باید زنده بماند

تأکیدهای مکرر امام مبنی بر بزرگداشت این روز، به قدری قوی است که هرگونه غفلت را از ذهن، زبان، فکر و اندیشه ما می‌زداید. قطعاً در نظر بانی و بنیانگذار انقلاب اسلامی نکته خاصی نهفته است که در سخنان زیر همگان را هشدار می‌دهد:

۱۵ خرداد از خاطره‌ها محو نخواهد شد و باید در سالروز آن، هرچه بیشتر آن را زنده نگاه داشت.^۲

ملت ایران نباید این ۱۵ خرداد را از یاد ببرند.^۳

این ایام یادتان باشد؛ از یادتان نبرید. این ایام بزرگ الهی که از «ایام‌الله» است. [۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور] اینها را یادتان باشد.^۴

یادتان نرود که ما یک ۱۵ خرداد داشتیم.^۵

علل و عوامل قیام خونین ۱۵ خرداد و نتایج آن

در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ مطابق با ۱۲ محرم سال ۱۳۸۳ حمله رژیم شاه به سنگر روحانیت و مرزبانان حریم دین آغاز شد. عمال داخلی و خارجی رژیم شاه هر جا که روحانیان و پیروان راه امام خمینی را می‌یافتند دستگیر می‌کردند و به زندان می‌بردند. گستاخی رژیم تا به جایی رسید که به مقام قیادت

^۱ - (صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۵۱)

^۲ - (صحیفه امام؛ ج ۲، ص ۲۸۷)

^۳ - (صحیفه امام؛ ج ۳، ص ۴۱۱)

^۴ - (صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۴۶۸)

^۵ - (صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۴۶۸)

حضرت امام هم تعرض کردند و ساعت ۳:۳۰ بعد از نیمه شب ۱۵ خرداد به سوی خانه حضرت امام یورش بردند و ایشان را دستگیر کردند. اهالی قم که این خبر را شنیدند، شتابان از خانه بیرون دویدند تا به یاری امام بشتابند ولی دیر شده بود، چون امام را با سرعت سرسام‌آوری از قم خارج کرده و به طرف تهران حرکت دادند. جالب اینجاست که اضطراب و نگرانی شدیدی در چهره دژخیمانی که امام را به تهران می‌بردند آشکار بود، اضطراب آنان به حدی بود که هرچه امام اصرار می‌کرد که چند دقیقه‌ای ماشین را نگه دارند که نماز صبح بخوانند آنها نمی‌پذیرفتند ولی امام آنان را دل‌داری می‌داد. در تهران امام را نخست به باشگاه افسران بردند و پس از یک روز به پادگان بی‌سیم قصر منتقل نمودند و پس از توقف ۱۹ روزه، قرار بازداشت امام صادر شد و در ۴ تیر ۱۳۴۲ امام به پادگان عشرت‌آباد منتقل گردیدند. خبر توقیف امام به صورت برق‌آسا در سراسر قم پیچید و توفانی از خشم در میان توده‌های مردم انقلابی برانگیخت، مردم قم در حالی که اشک می‌ریختند و بر سر و سینه خود می‌زدند به سوی خانه امام حرکت کردند و مقابل خانه ایشان تجمع نمودند و به همراه حاج آقا مصطفی خمینی به طرف صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها حرکت کردند و پس از مدتی علما و روحانیون نیز که در منزل آیت‌الله حاج سیداحمد زنجانی تجمع کرده بودند به طرف صحن مطهر حرکت کردند و به مردم ملحق شدند و بیانیه‌ای از جانب آنها از بلندگوی حرم خوانده شد. و فریاد رعدآسای «یا مرگ یا خمینی» در آسمان قم طنین‌انداز شد و اشک و آه و ناله همراه با سیل لعن و نفرت و انزجار نسبت به رژیم بر پا خاست.

(س) - عکس‌العمل علما پس از آزادی امام راحل از زندان در برابر شهدای ۱۵ خرداد چه بود؟ وقتی امام در سال ۱۳۴۳ از زندان آزاد شدند این فکر در حوزه بسیار موج ایجاد کرده بود که امام چکار می‌خواهند بکنند؟ مبادا زندان در ایشان تأثیر منفی گذاشته باشد؟ مبادا که دیگر به مبارزه ادامه ندهند؟ یک خاطره‌ای را متذکر بشوم که آقای ربانی شیرازی (ره) معتقد بود امام وقتی آزاد شده بودند به طور کلی روحیه خودشان را از دست داده بودند، ولی بعد که بیرون آمدند و احساسات و استقبال مردم را دیدند، در ایشان یک دگرگونی ایجاد شد و دوباره به صحنه آمدند، دلیل ایشان هم این بود که می‌گفت: یک روز بعد از آزادی حضرت امام از زندان به اتفاق آقای منتظری و آقای هاشمی رفسنجانی خدمت امام رسیدیم، من به امام عرض کردم، برنامه آینده‌تان چیست و چه کار می‌خواهید بکنید؟ امام فرمودند: برنامه؟! مگر بعد از کشتار ۱۵ خرداد دیگر برای کسی برنامه‌ای می‌ماند؟! عرض کردم اگر اسلام در خطر بود و دفاع از اسلام لازم بود، ۱۵ خرداد و کشتار ۱۵ خرداد چیزی نبود و ما باید بیش از آنها برای اسلام قربانی می‌دادیم، ثانیاً اگر قرار است شما سکوت کنید و برنامه نداشته باشید، جواب این احساسات مردم را چگونه می‌خواهید بدهید؟ امام فرمودند: «من به احساسات مردم کار ندارم. و لذا ما خیلی نگران شدیم و بیرون آمدیم ولی بعد از چند روز، احساسات مردم باعث شد که ایشان تغییر روش دهند و به شدت برضد رژیم بتازند، ولی من در نجف که خدمت امام رسیدم به این نکته پی‌بردم که بدترین سخن نزد امام این بود که کسی از ایشان سؤال کند، برنامه آینده‌تان چیست؟ چرا که آن

روحیه کتوم و خوددار، بنایش این بود که نگذارد برنامه‌اش لو برود و کشف شود تا دشمن نتواند به برنامه او آگاهی یابد و لذا روی این مسئله بسیار حساس بودند. ببینید در دوران جنگ، همه، از اطلاعات عملیاتی خبر داشتند و الان هم همه از جریان هسته‌ای خبر دارند، اما امام این‌گونه نبودند که اگر به کسی اعتماد دارند همه چیز را به او بگویند، امام کاملاً بر این نظر بودند که دادن «فلان اطلاعات» به «فلان آقا» تا چه حد ضروری است؟ اگر به نظرشان می‌رسید که دادن آن اطلاعات ضروری است، حتماً آن اطلاعات را به او می‌دادند؛ لیکن اگر می‌دیدند که دانستن او ضرورتی ندارد، اطلاعات را مخفی می‌داشتند، هر چند به آن شخص اعتماد کامل داشتند و شرط احتیاط را کاملاً رعایت می‌کردند. مثلاً در نجف بسیار اتفاق می‌افتاد که وقتی پیش ایشان می‌رفتیم و عرض می‌کردیم که در مورد فلان مسئله مناسب است که موضع‌گیری کنید و اعلامیه بدهید، امام هیچ نمی‌گفتند، اما بعدها معلوم می‌شد که ایشان اعلامیه داده‌اند و اصلاً بروز نمی‌دادند. حاج آقا مصطفی می‌گفت من بعضی موقع‌ها از حالت چشم‌های آقا می‌فهمم که کاری کرده‌اند ولی بروز نمی‌دهند، مثلاً وقتی در سال ۱۳۴۹ شمسی امام پیامی به حجاج بیت‌الله‌الحرام دادند، حاج آقا مصطفی زمانی خبردار شد که زائران از حج برگشته و خبر پخش اعلامیه را داده بودند! با این‌که امام به آیت‌الله شهید سیدمصطفی، اعتماد کامل داشتند. همین مراعات‌ها و احتیاط‌های اطلاعاتی بود که در تمام مدتی که امام در نجف بودند، حتی یک بار هم قبل از پخش اعلامیه، ساواک نتوانست آن را کشف کند و الان هم اسنادش موجود است که اعلامیه آقا به ایران رسیده و پخش شده و ساواک ایران به مقامات امنیتی خود در سفارت بغداد اعتراض می‌کند که چطور شما مطلع نشدید؟ آنها ابتدا تکذیب کردند که چنین اعلامیه‌ای از جانب امام صادر شده باشد، اما وقتی که اعلامیه را از ایران برایشان فرستادند، منابع ساواک در بغداد بسیار تعجب کردند و زیر آن نوشته‌اند چگونه پنج ماه از صدور این اعلامیه می‌گذرد و ما خبردار نشده‌ایم!

(س) - فضای عمومی حوزه نسبت به امام و مبارزات ایشان چگونه بود؟

شما ببینید وقتی آقای ربانی شیرازی از امام می‌پرسند برنامه‌تان چیست؟ و امام می‌فرمایند مگر با کشتار ۱۵ خرداد برنامه‌ای می‌ماند؟ آنها این‌گونه تفسیر می‌کنند که امام بریده‌اند، مشخص می‌شود که افراد حوزه به علت پیچیدگی امام نتوانسته بودند ایشان را به درستی بشناسند و به کنه ایشان پی ببرند. اکثریت قریب به اتفاق علما و روحانیان شناخت کافی از امام نداشتند و راجع به امام نظریاتی می‌دادند که عمق عدم شناخت آنها را نسبت به امام می‌رساند. البته همین اکنون نیز متأسفانه ابعاد شخصیت امام در جامعه ناشناخته مانده است که باید روی آن کار شود، بنده بعد از ۳۰ سال همراهی و مجالست با امام هم اکنون روز به روز شناختم نسبت به ایشان زیادتر می‌شود. اگر امام به درستی شناخته شوند مسلماً راه امام بهتر به کار بسته می‌شود و افراد بهتر می‌توانند متحول شده و هدایت گردند و ما تنها نباید به یک جنبه امام بپردازیم، چرا که امام در همه ابعاد سرآمد و الگو بودند و هستند.

(س) - پیرامون ویژگی‌های نهضت امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد هم توضیحاتی بفرمایید؟

۱۵ خرداد نه تنها با حرکت‌ها و جریان‌های سیاسی که در ایران از طریق احزاب و گروه‌ها صورت می‌گرفت تفاوت داشت، بلکه حتی با نهضت‌های اسلامی در طول صد سال گذشته هم بسیار متفاوت بود؛ البته نهضت امام با نهضت‌های سده پیشین مشترکاتی دارد که عبارتند از: اسلامی بودن، برخورداری از رهبری علما و روحانیون، مردمی بودن و دفاع از اسلام. اما تفاوت‌های بسیاری نیز با آنها دارد. اولاً حرکت امام یک حرکت براندازی بود، یعنی امام از همان ۱۶ مهر ۱۳۴۱ که نهضت خود را آغاز کردند، در اندیشه براندازی رژیم شاه بودند. امام در آن روز به صورت کاملاً مدبرانه به منزل بنیانگذار حوزه علمیه قم می‌روند و علما را دعوت می‌کنند و می‌فرمایند «اگر ما می‌خواهیم اسلام و ایران از اضمحلال نجات یابد، باید این دودمان پهلوی را از بین ببریم» این حرف امام در آن شرایط خفقان‌بار و حساس، با شگفتی مواجه می‌شود و آقای شریعتمداری اظهار می‌دارد: «ما با کدام نیرو و قدرت می‌خواهیم چنین هدفی را مطرح کنیم و یا آن را انجام دهیم؟ ما که بمب و... نداریم که بر سر شاه بکوبیم» که امام پاسخ می‌دهد: «ما قدرتی داریم که از بمب هم قوی‌تر است و آن ملت است.» یعنی اگر ما مردم را به وظایف اسلامی و انسانی‌شان، آشنا سازیم و افشاگری کنیم شاه باید از این مملکت برود. این سخنان امام نشان می‌دهد که امام از همان آغاز در اندیشه براندازی بودند و خود ساواک هم در همان سال ۱۳۴۱ گزارشی دارد مبنی بر این‌که: «خمینی در یک جلسه‌ای با مراجع گفته است: من تا سرنگونی شاه مبارزه را ادامه می‌دهم و حتی حاضریم در این راه زندان و تبعید بشوم». اما وقتی در نهضت‌های گذشته از جنبش تنباکو تا مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت مطالعه می‌کنیم، هیچ کدامشان در اندیشه سرنگونی رژیم شاه نبودند.

نکته دیگری که بیان می‌کند امام از همان آغاز به فکر براندازی بودند، روش مبارزاتی ایشان بود که از آغاز سعی می‌کردند حمله را متوجه دربار شاه بکنند، مثلاً در عیدفطر سال ۱۳۴۱ به شاه حمله می‌کنند و بعد از فروردین سال ۱۳۴۲ بعد از حمله مزدوران رژیم شاه به مدرسه فیضیه در همه سخنرانی‌های خود، روشنگری می‌کنند و به مردم می‌فرمایند «شاه دوستی یعنی غارتگری! شاه دوستی یعنی آدم‌کشی! شاه دوستی یعنی هدم آثار رسالت!» و در جریان ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ ۲ روز پیش از دستگیری) حمله را مفصلاً متوجه دربار شاه می‌کنند و می‌فرمایند: «بدبخت! بیچاره! ۴۵ سال از عمرت می‌گذرد. هر چه بهت دیکته می‌کنند نو آن بالا نگو، من نمی‌خوام تو مثل بابات بشی که وقتی اربابان خواسته باشند تو را از اینجا ببرند، مردم جشن بگیرند!» اینها نشان می‌دهد که امام از نخست متوجه شاه و در فکر براندازی رژیم بودند. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که امام خمینی گاهی حرف‌های خود را به صورت نصیحت مطرح می‌کردند و آن را به این خاطر انجام می‌دادند که راه بهانه‌تراشی رژیم و پرونده‌سازی علیه خودشان را ببندند و راه‌های قانونی برای حرف و حرکت خود داشته باشند و لذا از همان اوایل به موارد قانونی دقت می‌کردند تا رژیم نتواند از راه‌های قانونی امام را تحت تعقیب قرار دهد.

تفاوت دیگر نهضت امام با نهضت‌های اسلامی گذشته، این است که نهضت امام، هم جنبه ضد استبدادی داشت و هم جنبه ضد استعماری و ضد استکباری، یعنی هم برضد رژیم حاکم بود و هم برضد استعمارگران و استکبار جهانی که در ایران جولان می‌دادند، اما نهضت‌های گذشته تک بعدی بودند یعنی یا مانند نهضت مشروطه، ضد استبدادی بودند و یا مانند جنبش تنباکو، ضد استعماری؛ و چون استعمار و استبداد همیشه مکمل هم هستند، هر وقت یکی از اینها استبداد یا استعمار - از یک نهضتی مثلاً جنبش تنباکو و نهضت مشروطه ضربه می‌خورد، دیگری ضربات وارده را جبران می‌کرد و به همین خاطر نهضت‌ها و جریان‌های گذشته به فرجام مطلوب خود نمی‌رسیدند.

نکته دیگری که حضرت امام توجه داشتند، این بود که نخست باید به مردم آمادگی داد، زیرا سال ۱۳۴۱ برخی از مردم به شاه وفادار بودند و این فکر کاملاً در جامعه ما جا باز کرده بود که «شاه بی‌تقصیر است و اطرافیان او هستند که این کارها و خلاف‌های شرع را می‌کنند و خود شاه از اینها خبر ندارد!» این روش مبارزاتی امام (ره) به خاطر این بود که می‌گفتند هدف مانند میوه است که اگر آن را زود بچینی قابل استفاده و قابل هضم نیست و اگر دیرتر از موعد هم بچینی می‌ترشد و از بین می‌رود، یک رهبر آگاه و دانا آن است که بداند هدف را در چه موقعی و موسمی مطرح کند، لذا اگر امام در همان سال ۱۳۴۱ اعلام می‌کرد که من می‌خواهم شاه را سرنگون کنم! مطمئناً ایشان را می‌گرفتند و مثل نواب صفوی اعدام می‌کردند و هیچ طوری هم نمی‌شد و آب از آب تکان نمی‌خورد! و لذا امام در آغان، ماهیت رژیم را آشکار کردند و صبر کردند تا ماهیت رژیم و شاه بر مردم نمایان گردد. لذا وقتی عمال شاه به مدرسه فیضیه حمله کردند، آن جنایات رژیم زمینه خوبی برای آشکار شدن ماهیت شاه بود و پوچی ادعاهای «اسلام‌پناهی، ملاقات با حضرات معصومین علیهم‌السلام» و دیگر ادعاهای شاه را برملا کرد و ماهیت شاه را بر همگان آشکار ساخت.

(س) - آیا حضرت امام از ابتدا قصد براندازی نظام سلطنتی را داشتند؟

- در مقدمه کتاب نهضت امام خمینی یک خاطره‌ای از امام آورده‌ام که در جلد اول حذف کرده بودم و آن این بود که امام در پاسخ تلگرافی از شاه فرموده بودند «تلگراف اعلی حضرت رسید، متشکریم؛ گفته اعلی حضرت مطابق است با آنچه که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به ما رسیده است...»، من این را حذف کردم و بعد به حاج احمد آقا گفتم، به نظر من این جمله ناپسند بود و لذا آن را حذف کردم! امام مرا خواستند و فرمودند: چرا حذف کردید؟ یک مورخ امین باید واقعیت‌ها را بنویسد، نهایتاً انتقاد می‌کردید، شما باید از همین الان یاد بگیرید و خود را عادت دهید که اگر سخنی علیه شما و یا دوستان شما بود، آن را درز نگیرید و حذف نکنید و الا یک تاریخ‌نگار متعهدی نخواهید بود...؛ امام به دنبال این مقدمه ادامه دادند: «اما راجع به آن جمله، وظیفه علما همان وظیفه انبیای خداست، همان‌گونه که پیام‌آوران الهی مبعوث شدند که انسان‌ها را نجات دهند و برایشان شاه و غیرشاه فرقی نمی‌کرد و هدفشان این بود که همه انسان‌ها را از لجن‌زار نجات دهند و آنها را هدایت کنند، علما هم همین طور هستند و هدفشان نجات و هدایت همه انسان‌ها چه شاه و چه مردم کوچ و بازار است به خاطر همین

هم است، که خدا می‌خواهد فرعون آدم شود و هدایت گردد و ما هم وظیفه داشتیم که طبق دستور اسلام، شاه را نصیحت و آگاه کنیم تا شاه هدایت گردد و آدم شود، اما وقتی دیدیم این‌طور نشد، به وظیفه دیگرمان عمل کردیم، و این‌که می‌بینید سیاستمداران دنیا جز زبان زور با زبان دیگری حرف نمی‌زنند به خاطر این است که زبان دیگری بلد نیستند.

(س) - احزاب و گروه‌های سیاسی در مقابل نهضت امام چه موضعی داشتند؟

- گروه‌های سیاسی مانند جبهه ملی و نهضت آزادی، حتی تا روزهای پیروزی انقلاب هم به شاه وفادار بودند، لذا آقای سنجابی در خاطراتش نوشته که وقتی او را به پیش شاه می‌برند، دست شاه را می‌بوسد و می‌گوید ما از اول به شما وفادار بودیم! یا مهندس بازرگان تا نوفل‌لوشاتو می‌آید که امام را قانع کند تا شاه را بیرون نکنند...؛ امام بعد از این پیشنهاد آقای بازرگان سخنانی تندی می‌کنند و می‌فرمایند: کدام عقل، کدام دین و کدام انسان قبول می‌کند کسی که دستش تا مرفق به خون مردم متدین آغشته است، ما به او بگوییم برو بالا بنشین الواطی خودت را بکن...!، نه خیر این باید برود و جز سرنگونی او راهی دیگر وجود ندارد.

(س) - علت شکل‌گیری قیام ۱۵ خرداد چه بود و آیا اوضاع سیاسی خارج از کشور هم تأثیری در شکل‌گیری این قیام داشت؟

- شرایط در آن زمان طوری بود که هم آمریکا، هم شوروی و هم انگلیس، تقریباً بر سر حکومت شاه به یک توافق عملی رسیده بودند و کاملاً شاه را حمایت می‌کردند، یعنی می‌توان گفت که مسایل خارجی در شکل‌گیری ۱۵ خرداد نقشی نداشت، البته می‌توان گفت که حرکت جمال عبدالناصر علیه صهیونیست‌ها موجی در خاورمیانه ایجاد کرده بود که قهراً در میان مردم ایران هم در جهت مبارزه با استعمار بی‌تأثیر نبود، اما نهضت امام ربطی به آن نداشت. در قضیه ۱۵ خرداد چند عامل اساسی نقش داشتند. اولین مسئله این بود که امام توانسته بودند در مدت کوتاه ۱۶ مهر ۱۳۴۱ تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به مردم آگاهی ببخشند و مردم را علیه رژیم شاه به حرکت درآورند. مردم به شدت در همین فاصله کوتاه هر چند در شعاع محدود قم، تهران، کاشان و چند شهر محدود نسبت به رژیم و شخص شاه موضع تند و توفنده‌ای داشتند و لذا در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ برای اولین بار فریاد «مرگ بر شاه» طنین‌انداز شد. مسئله دوم این‌که امام توانستند احیاگر مکتب عاشورا باشند که تا آن هنگام متأسفانه راه امام حسین علیه‌السلام به مجالس روضه و نوحه و... محدود شده بود. روضه، نوحه و مجالس عزاداری هر چند مقدس‌اند اما بسنده کردن به اینها در مکتب حسینی، جفای به امام حسین علیه‌السلام و مکتب ایشان است، بنابراین امام در آن مدت کوتاه، هدف امام حسین علیه‌السلام را برای مردم روشن کردند و راه آن حضرت را به درستی برای مردم مشخص نمودند و لذا در آن سال می‌بینیم که نوحه‌ها و محتوای عزاداری‌های محرم، کاملاً با سال‌های گذشته متفاوت است. مسئله دیگر پیروی از مرجعیت و ولایت بود و مردم کاملاً این حقیقت را دریافته بودند که حسین زمان در مقابل یزید زمان ایستاده است و باید با همه قوا از او حمایت کرد و لذا وقتی در روز ۱۵ خرداد خبر دستگیری امام به پیشوای ورامین می‌رسد،

مردم از خانه، صحرا و... به طرف مسجد می‌آیند و به سمت ورامین و تهران حرکت می‌کنند و علی‌رغم همه خشونت‌های عمال شاه، به یاری امام می‌روند و می‌گویند «ما کوفی نیستیم که حسین زمان را تنها بگذاریم، یا امروز همه ما کشته می‌شویم و یا باید آیت‌الله خمینی از زندان آزاد شوند». مسئله دیگر خود رژیم بود که واقعا در میان مرگ و زندگی قرار گرفته بود و حرکتی که امام ایجاد کرده بود، اگر شاه پیش‌دستی نمی‌کرد و آن ضربه را نمی‌زد و مردم را به خاک و خون نمی‌کشید، مسلما سرنگونی شاه در همان مقطع زمانی محقق می‌شد، اما رژیم مجبور بود که برای حفظ سلطنت خود دست به چنان جنایاتی بزند. مسئله دیگر، آگاهی مردم هر چند در وسعت جغرافیایی محدود بود. یعنی با همه موانعی که بر سر راه افشاگری‌ها و هدایت‌گری‌های امام وجود داشت، اما آگاهی مردم در قیام ۱۵ خرداد نقش عظیمی ایفا کرد.

(س) - جریان‌های مختلف سیاسی سعی می‌کردند امام و نهضت او را به تأثیرپذیری از جناح مقابل متهم کنند، حضرت امام چگونه توانستند این فکر را در میان مردم نهادینه کنند که بدون وابستگی به قدرت‌ها و جناح‌های سیاسی و تنها با پیروی از اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، می‌توان قیامی را پایه‌ریزی نمود؟

- احیای مکتب اصیل عاشورا در این قضیه نقش مهمی داشت لذا امام (ره) با نشان دادن راه پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام توانستند که در باور عمومی نهادینه کنند که قدرت‌های بیگانه نمی‌توانند برای ما کاری انجام دهند و در این زمینه ما باید روی پای خودمان بایستیم؛ و از آنجا که امام از همان آغاز سعی می‌کردند که مبارزه را علیه هم استعمار و هم استبداد جلو ببرند، باعث شد که مردم در ۱۵ خرداد هم علیه شوروی شعار می‌دادند و هم علیه آمریکا و انگلیس و هم علیه اسرائیل و هم علیه شاه. یادم هست که روز یازده محرم برابر با خرداد ۱۳۴۲ جمعیتی حدود صد هزار نفر از جنوب تهران حرکت کردند و به خیابان فردوسی جلوی سفارت انگلستان رسیدند و آنجا یک جوان بازاری روی چهارپایه‌ای رفت و در سخنان خود چنین گفت: آیت‌الله خمینی حرفشان این است که سرنوشت ایران نباید در لندن تعیین شود، نباید در مسکو تعیین شود، نباید در واشنگتن تعیین شود، سرنوشت مردم ایران باید در ایران تعیین شود...» یعنی آگاهی که امام داده بودند، هم ضد شرق، هم ضد غرب، هم ضد صهیونیسم و هم ضد همه حکومت‌های استبدادی، استعماری و استکباری بود.

(س) - کشورهای خارجی نسبت به قیام ۱۵ خرداد چه عکس‌العملی نشان دادند؟

- شرق و غرب و همه رسانه‌های وابسته به آنها به صورت یک‌صدا حرکت امام را محکوم کردند و به طور کلی یک تبلیغات وسیعی در سطح دنیا بر ضد امام به راه افتاد. این‌که امام وقتی از زندان آزاد می‌شوند در نخستین سخنرانی خود می‌فرمایند: «افسوس صدای ما به دنیا نمی‌رسد»، بیانگر این است که تبلیغات وسیعی به راه انداختند و کمتر روزنامه خارجی به نفع امام و حرکت ایشان چیزی نوشت. شاه هم در کتاب «انقلاب سفید» مدعی می‌شود که قهرمان ۱۵ خرداد ارتباط مرموزی با حزب توده داشته و آنها بودند که مقام او را به عرش رساندند! در صورتی که حزب توده و ارباب آن یعنی

شوروی از نهضت اسلامی امام خمینی سخت وحشت کردند و آن را سد بزرگی در مقابل پیشرفت خود دیدند و در ۱۵ خرداد با همه قوا علیه آن بپا خاستند و همانند جهانخواران غربی پشت سر شاه قرار گرفتند و گفته‌های او را نشخوار کردند و نهضت اسلامی ملت ایران و رهبر آن را مورد تاخت و تاز قرار دادند. رادیو مسکو شب ۱۶ خرداد می‌گوید: «عناصر ارتجاعی ایران که از اصلاحات این کشور، مخصوصاً اصلاحات ارضی، ناراضی هستند و افزایش حقوق اجتماعی و توسعه آزادی زنان ایران را باب میل خود نمی‌بینند، امروز در تهران، قم و مشهد تظاهرات خیابانی برپا کردند...» البته فقط رادیو مسکو نبود، بلکه روزنامه‌ها و مجلات و دیگر رسانه‌های آنها هم همین‌گونه حملات را شروع کردند و رسانه‌های خارجی دیگر هم همین‌گونه عمل کردند و به شدت علیه این قیام تاختند و شاه را حمایت کردند.

(س) - زنان در ۱۵ خرداد چه نقشی ایفا کردند؟

- در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که مصادف با ۱۲ محرم ۱۳۸۳ قمری بود، حوزه تعطیل بود و نخستین حرکت از سوی اهالی قهرمان‌پرور قم صورت گرفت. از ساعت ۵ صبح که خبر دستگیری امام منعکس شد، مردم از سراسر قم و اطراف آن به طرف صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها حرکت کردند و حتی مردم از جمکران با بیل و کلنگ به سوی قم آمدند. نقش زنان هم در قیام ۱۵ خرداد قم بسیار چشمگیر بود و هر کدام از بانوان با ابزارهای متنوعی به صحنه آمدند و حماسه آفریدند و نخستین کسانی که ۱۵ خرداد در قم به شهادت رسیدند، ۴ نفر از زنان بودند.

(س) - در مورد تعداد شهدای ۱۵ خرداد هم توضیحاتی بفرمایید؟

- در ۱۵ خرداد بنا به تخمین کارشناسان، هزاران نفر در قم، تهران، شیراز و کاشان به شهادت رسیدند که آمار و اسامی کامل آنان به دست نیامد، چون در گورهای دسته جمعی دفن شدند، لیکن طبق لیستی که در شهربانی تهران موجود است، در حادثه ۱۵ خرداد، اسامی حدود ۱۴۰ نفر از شهدا ثبت گردیده است؛ از این تعداد ۳ روحانی، ۲۴ نفر از بانوان مسلمان، ۱۸ کشاورز، ۱۱ کارگر، ۹ دانش‌آموز، یک دانشجو و... بودند و جالب اینجاست که از همه اقشار اجتماعی در این قیام حضور داشتند.

(س) - چندی پیش در سالگرد ۱۵ خرداد شبه‌ای، در برخی نشریات مطرح شد که می‌گفتند: با توجه به حضور همه اقشار اجتماعی در قیام ۱۵ خرداد، اگر این قیام به خوبی مدیریت می‌شد، همان موقع انقلاب به پیروزی می‌رسید، نظر حضرت‌عالی در این مورد چیست؟

- بله؛ اگر میان مردم و رهبر فاصله ایجاد نمی‌شد، حداقل می‌توان گفت که نهضت به آسانی خاموش نمی‌شد. درست است که مردم سه روز به صورت جانانه مقاومت کردند و خوب هم پیش رفتند، اما بین امام و مردم فاصله به وجود آمد، یعنی مردم مرعوب خشونت‌های رژیم نگشته و از صحنه خارج نشدند، اما بلا تکلیف بودند، زیرا امام در زندان بودند و ارتباطشان با مردم قطع بود. بنابراین قیام ۱۵ خرداد اگر با رهبری شخصیتی همانند امام هدایت می‌شد می‌توانست یک حرکت دامنه‌داری باشد که زمینه را برای براندازی کامل رژیم فراهم کند.

(س) - نقش حوزه علمیه قم را در پیشبرد نهضت امام خمینی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- حوزه علمیه قم در زنده نگاه داشتن نهضت اسلامی امام نقش مؤثر و بسزایی برعهده داشت. در آن شرایط که امام (ره) تحت نظر و محاصره قرار داشت و امکان هرگونه رهبری و روشنگری از ایشان سلب گردیده بود و از سوی دیگر همراهان سست عناصر و رفیقان نیمه‌راه مبارزه را کنار گذاشتند و مبارزان را رها ساختند و بساط تفرقه به راه انداختند و کوشیدند که نهضت رهایی‌بخش و ضداستعماری و ضداستبدادی ملت ایران را از مسیر درست خویش منحرف کنند و به یک سلسله مسایل فرعی و غیراصولی سرگرم سازند. پاسداران راستین راه خمینی و فرزندان انقلابی امام در حوزه علمیه قم با تمام نیرو و امکانات همانند کوهی استوار و خلل‌ناپذیر در برابر یورش‌های پی‌درپی دشمنان خارجی و کارشکنی‌های عوامل داخلی سرسختانه مقاومت کردند و با فداکاری‌ها و پایداری‌های خود، از خاموش شدن شعله فروزان نهضت، جلوگیری کردند و با آگاهی کوشیدند که از هر فرصتی برای رشد فکری توده‌ها و بسیج حداکثری نیروها استفاده کنند. روحانیان مبارز در مراسم‌های گوناگونی که در مساجد تشکیل می‌شد، شرکت می‌کردند و به روشنگری و افشاگری می‌پرداختند، و با دانشجویان، بیشتر و بهتر آشنا و نزدیک می‌شدند و از هر فرصتی برای چاپ و پخش اعلامیه‌هایی بر ضد دستگاه حاکم و افشای جنایات آنها استفاده می‌کردند، به طوری که با بازگشت طلاب به قم و آغاز درس‌های حوزه در شهریور ماه ۱۳۴۲، صدور اعلامیه‌های روشنگرانه از برنامه‌های درازمدت و راهبردی حوزه علمیه قم به شمار می‌رفت و هفته‌ای نبود که در قم، اعلامیه یا اعلامیه‌هایی صادر نشود.

(س) - علمای مصر، لبنان و دیگر کشورها پیرامون قیام ۱۵ خرداد چه موضعی گرفتند؟

- شادروان شیخ محمود شلتوت، رئیس وقت دانشگاه الازهر در این جریان طی اعلامیه‌ای از عموم مسلمانان خواست که از علمای مجاهد ایران که به جرم دفاع از حق به زندان کشیده شده‌اند، پشتیبانی کنند. او در این اعلامیه، دستگیری علما و اهانت به ساحت مقدس آنان را داغ‌ننگی بر جبین بشریت شمرده و طی تلگرافی به شاه، رسماً از او خواست که از تجاوز به حریم روحانیت و علمای اسلام که پاسداران راستین قوانین الهی‌اند، خودداری کند و علما و مردم بازداشت شده را هر چه زودتر آزاد سازد. شیخ شلتوت، علاوه بر شاه تلگراف‌هایی هم به برخی مقامات و مراکز روحانی مانند آیات عظام میلانی و حکیم؛ پاپ و... ارسال می‌کند و حمایت خود و جامعه الازهر را از روحانیون و مبارزان ایران اعلام می‌کند، اما شاه پند نمی‌پذیرد و با دروغ‌پردازی‌هایی شروع به فضا سازی‌های منفی و نابخردانه‌ای علیه شلتوت در رسانه‌ها و روزنامه‌ها می‌کند، به عنوان مثال در یکی از روزنامه‌های وابسته ایران آورده بود: در جامعه الازهر اختلاف نظر بروز کرده است. به شیخ شلتوت ایراد می‌گیرند چرا با دیکتاتوری ناصر همکاری می‌کند. اقدام رئیس جامعه الازهر با تصمیم هیأت تقریب بین مذاهب اسلامی و برداشت اختلاف تشیع و تسنن مغایر است (اطلاعات ۱۷ تیر ۱۳۴۲) غیر از شلتوت برخی علمای شیعه لبنان، عراق و... هم با صدور بیانیه‌هایی انزجار خود را از فاجعه ۱۵ خرداد و دستگیری علما و مردم ایران ابراز می‌کردند.

(س)- ویژگی‌ها و اهداف قیام ۱۵ خرداد را به طور خلاصه بیان فرمایید؟

۱- در قیام ۱۵ خرداد، مردم مسلمان، به آشوب و هرج و مرج آن‌طور که دستگاه تبلیغات شاه وانمود می‌کرد هرگز دست نزدند، نه زنان و دختران را مورد حمله و اهانت قرار دادند و نه کتابخانه‌ای را آتش زدند و نه به مظاهر تمدن و پیشرفت یورش بردند.

۲- قیام ۱۵ خرداد به رغم تبلیغات دروغین مخالفان، شورشی کور و حرکتی بی‌هدف نبود، مردم بر پایه احساسات زودگذر و دور از خرد و اندیشه، به خیابان‌ها نریختند، بلکه با قیام خونین خود به شخص شاه و برنامه‌هایی فریبنده و ضداسلامی و میهنی او پاسخ «نه» دادند و میزان وفاداری و پشتیبانی خود را از امام (ره) و آرمان‌های ایشان به نمایش گذاشتند و بدین‌گونه، تبلیغات گسترده رژیم شاه مبنی بر برخوردای از پشتیبانی توده‌های مردم را خنثی کردند.

۳- در جریان تظاهرات خونبار ۱۵ خرداد، نه تنها مردم به صورت بی‌پروا و نابجا مقابل توپ و تانک رژیم نرفتند و خود را بیهوده به کشتن ندادند، بلکه قهرمانانه با ارتش شاه جنگیدند و خیابان‌های تهران و برخی از شهرها صحنه جنگ و گریز مردم با ارتش شاه بود.

۴- این قیام به گروه‌های سیاسی و یا طبقه ویژه‌ای از جامعه وابستگی نداشت، بلکه می‌توان گفت از همه اقشار و طبقات در آن قیام حضور داشتند.

۵- تظاهرکنندگان قیام ۱۵ خرداد به رغم قتل‌عام وحشت‌آفرین رژیم شاه، خود را نباختند و به درون خانه‌های خود پناه نبردند، بلکه بی‌پروا و با شهامت در صحنه ایستادند. لکن از آنجا که در پی زندانی شدن امام، یک رهبر خردمند و بادرایتی در میان ملت نبود که از یک سو بتواند قیام مردمی را سازماندهی کند و از سوی دیگر جهت‌دهی نماید و روش‌های مبارزه با رژیم خون‌آشام شاه را به توده‌های مردم بپا خاسته بیاموزد، تظاهرکنندگان پس از چند روز جان‌فشانی و ایستادگی، سرگردان و بلا تکلیف ماندند و نمی‌دانستند که در برابر خونریزی‌های رژیم شاه چه وظیفه‌ای دارند و چه راهی را باید در پیش بگیرند و به چه کاری باید دست بزنند.

۶- قیام آفرینان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از پیروان و باورمندان راستین اصل ولایت فقیه بودند و امتثال امر ولی فقیه و مرجع تقلید را بر خود واجب می‌دانستند.

(س)- امروز مردم ما در قبال شهدای ۱۵ خرداد و راه افتخار آمیزشان چه وظیفه‌ای دارند؟

امام فرمودند: ... ۱۵ خرداد را بشناسید، مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید، کسانی را که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند بشناسید و کسانی که اهداف ۱۵ خرداد را دنبال کردند بشناسید... و مخالفین ۱۵ خرداد و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید...» از ویژگی‌های برجسته قیام آفرینان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ پیروی از اصل ولایت فقیه بود، قیام‌کنندگان آن روز خونبار، دفاع از مرجع تقلید و ولی فقیه خود را واجب می‌دانستند و در این راه تن به شهادت دادند.

قیام آفرینان ۱۵ خرداد هرگونه سازش، کرنش، مذاکره را در برابر استعمارگران و جهانخواران رد می‌کردند و با آنان مبارزه آشتی‌ناپذیر داشتند.

قیام‌کنندگان ۱۵ خرداد با فریاد مرگ بر اسرائیل، همراهی و همدردی خود را با مردم مظلوم فلسطین اعلام کردند و با خون خود با مجاهدین فلسطین پیمان ناگسستنی بستند.

قیام‌آفرینان ۱۵ خرداد با شعارهای حماسی و انقلابی خود به اندیشه‌های مرموز و اسارت‌بار استعماری که زیر پوشش «عرف بین‌المللی»، «افکار جهانی»، «جامعه جهانی» و... و... مطرح می‌شود، «نه» گفتند و راه اسلام را استواری بخشیدند، امروز بزرگ‌ترین وظیفه ما این است که راه شهدای ۱۵ خرداد ۴۲ را تداوم ببخشیم و از آن پاسداری کنیم.

منابع:

۱. دانشنامه رشد

۲. سایت ویکی‌پدیا

۳. صحیفه امام

۴. هفت‌هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران